

درباره دستورخط فارسی شکسته

امید طیب‌زاده* (عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ایران)

چکیده: مقاله حاضر، که صورت تکمیل شده متن خطابه نگارنده است در چهارصد و هشتاد و دومین جلسه شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی (دوشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۳)، مشتمل بر سه بخش است: در بخش نخست، مفاهیم مقدماتی و کلی مربوط به بحث شکسته‌نویسی و دستورخط معرفی می‌شود؛ بخش دوم بحث درباره انواع صورت‌های شکسته فارسی است که عبارت‌اند از: «صورت‌های شکسته غیر فعلی»، «صورت‌های شکسته افعال تام»، «صورت‌های شکسته پی‌بستی»، و «صورت‌های شکسته عبارتی»؛ و بالاخره بخش سوم بحثی اجمالی است درباره ضرورت درج و ویرایش صورت‌های شکسته در فرهنگ‌های فارسی. **کلیدواژه‌ها:** گفتاری‌نویسی، شکسته‌نویسی، خط شکسته فارسی، دستورخط شکسته فارسی.

مقدمه

استعمال کلمات شکسته (مانند «آگه»، «باشه»، «خونه»، «می‌خوام» و جزآن) در آثار ادبی شاعران و مخصوصاً نویسندگان معاصر فارسی، به‌رغم مخالفت‌های اولیه و شدید برخی از فضلاء دانشمند و صاحب‌نام، بسامد بسیار بالا و روزافزونی در صد سال اخیر داشته است. پیشرفت حیرت‌انگیز فناوری‌های جدید، گسترش چشمگیر شبکه‌های اجتماعی، رواج گسترده ارتباطات کتبی انبوه در فضای مجازی، و از همه مهم‌تر پیوستن خیل انبوه نوجوانان و حتی کودکانی که هنوز زبان فارسی رسمی را به‌درستی یاد نگرفته‌اند به کاربران و نویسندگان این رسانه‌ها در دو سه دهه اخیر، همه‌وهمه، بر بسامد کاربرد این قبیل کلمات افزوده است. این کاربرد گسترده و روزافزون توجهات بسیاری را در میان ادبا و زبان‌شناسان به خود جلب کرده و آرای متفاوتی برانگیخته است. برخی

از آنان این قبیل کلمات را مایه تباهی و فساد زبان فارسی و مخصوصاً ادبیات آن دانسته و مصرّاً در پی امحای آن برآمده‌اند و برخی دیگر ظهور این قبیل کلمات را در نوشتار فارسی ناگزیر و طبیعی شمرده و بر معیار کردن آن‌ها در خطّ فارسی کوشیده‌اند. نویسنده این مقاله به گروه دوم تعلق دارد و در این مختصر، که مشتمل بر سه بخش است، درباره این کلمات و شیوه‌های معیارکردنشان در خطّ فارسی سخن می‌گوید. در بخش نخست، مفاهیم مقدماتی و کلیّی مربوط به شکسته‌نویسی و دستور خط معرّفی و تعریف شده است. بخش دوم معرّفی انواع صورت‌های شکسته فارسی است که عبارت‌اند از: «صورت‌های شکسته غیر فعلی»، «صورت‌های شکسته افعال تام»، «صورت‌های شکسته پی‌بستی»، و «صورت‌های شکسته عبارتی». و بالاخره بخش سوم که بحثی اجمالی است درباره ضرورت درج و ویرایش صورت‌های شکسته در فرهنگ‌های فارسی.

۱. مفاهیم و اصطلاحات شکسته‌نویسی و دستور خط

در این بخش، به معرّفی و تعریف مفاهیم و اصطلاحاتی می‌پردازیم همچون «صورت‌های شکسته»، «گفتاری نویسی و شکسته‌نویسی»، «دستور خط»، «دوزبان‌گویی»، «ظهور گفتاری نویسی و شکسته‌نویسی در فارسی»، و «لزوم تدوین دستور خط شکسته فارسی».

صورت‌های شکسته

صورت شکسته عبارت است از شکل نوشتاری کلمه یا وند یا پی‌بستی که اولاً مبین تلفّظ سبک گفتاری فارسی باشد و ثانیاً معادل آوایی سالمی در فارسی رسمی و معیار داشته باشد. مثلاً، اگه و باشه و می‌تونم به ترتیب صورت‌های شکسته کلمات «اگر» و «باشد» و «می‌تونم» است؛ یا پسوند جمع «ا در «کتابا»، «گلا»، «مردا» صورت شکسته پسوند تصریفی جمع‌ها در «کتاب‌ها»، «گل‌ها»، «مردها» است؛ یا پی‌بستی پس اضافه رو یا و در «کتاب رو» یا «کتابو» صورت شکسته پی‌بستی را است. با توجه به آنچه گفتیم، کلماتی چون گر و ار را نمی‌توان صورت‌های شکسته کلمه «اگر» دانست، چون آن کلمات به سبک گفتاری تعلق ندارند بلکه به سبک ادبی یا کهن متعلق‌اند؛ و ثانیاً صورتی چون می‌تانم نیز صورت شکسته «می‌تونم» نیست زیرا نه به سبک گفتاری معیار فارسی بلکه به یکی از گونه‌های فارسی، مثلاً فارسی کرمانشاهی، تعلق دارد.

گفتاری نویسی و شکسته‌نویسی

گفتاری نویسی یا محاوره‌گرایی (colloquialism) به استفاده از ویژگی‌های زبان غیررسمی (informal) یا گفتاری در نوشتار اطلاق می‌شود. این شیوه، که خاصّه در داستان‌ها و نمایشنامه‌ها و یا برخی

گزارش‌های خبری یا مکاتبات دوستانه مشاهده می‌شود، تقریباً در تمام زبان‌های دنیا وجود دارد. ویژگی‌های زبان گفتاری عمدتاً به چهار طریق «واژگانی»، «نحوی»، «صرفی»، و «آوایی» در نوشتار ظاهر می‌شود.

گفتاری‌نویسی واژگانی به استفاده از کلمات خاص گفتاری در نوشتار اطلاق می‌شود؛ مثلاً به‌کارگیری کلماتی چون «خَفَن»، «شاسکول»، «ننه‌مرد»، و «واسه» در نوشتار به شکل‌گیری گفتاری‌نویسی واژگانی می‌انجامد.

گفتاری‌نویسی نحوی عبارت است از کاربرد نحو گفتاری در نوشتار؛ مثلاً تفاوت دو جمله «آن‌ها به تهران رفتند» و «آن‌ها رفتند تهران» تنها به نحوشان مربوط می‌شود که اولی دارای نحو فارسی رسمی (formal) و دومی دارای نحو گفتاری است.

در گفتاری‌نویسی صرفی، نویسندگان از وندهایی استفاده می‌کنند که خاص زبان گفتار است؛ مثلاً استفاده از پسوندهایی مانند «و»، «ه»، «خی»، و «که» در کلماتی چون «چلمو»، «دختره»، «راستکی»، «مردکه» به شکل‌گیری گفتاری‌نویسی صرفی منجر می‌شود.

و سرانجام، در گفتاری‌نویسی آوایی، از تلفظ گفتاری کلمات در نوشتار استفاده می‌شود؛ مثلاً به‌جای «خانه» می‌نویسند «خونه»، یا به‌جای «رفتند» رفتن، یا به‌جای «اگر» اگه و غیره. این صورت‌های تلفظی گفتاری همان صورت‌های شکسته‌اند که بدان‌ها اشاره کردیم.

برخی از پژوهشگران اصرار دارند که به‌هنگام بحث درباره صورت‌های شکسته، به‌جای استفاده از اصطلاحات جاافتاده‌ای چون صورت شکسته یا شکسته‌نویسی، از اصطلاحات جدیدتری مانند «صورت گفتاری» یا «گفتاری‌نویسی» و مانند آن استفاده کنند. این عمل در حد مباحث کلی و عمومی البته ایرادی ندارد اما باید دانست که، در مقالات علمی و تخصصی، اولاً وضع غیر ضرور اصطلاحات جدید به‌جای اصطلاحات جاافتاده و قدیم باعث خلط مبحث می‌شود و ثانیاً اطلاق کل به جزء نه تنها غیر جایز بلکه اساساً اشتباه و گمراه‌کننده است. خلاصه‌اینکه شکسته‌نویسی یکی از انواع گفتاری‌نویسی است و نباید آن را با گفتاری‌نویسی یکی دانست.

دستور خط

دستور خط عبارت است از مجموعه‌ای از قواعد نگارشی که هدف آن ایجاد وحدت در کار نگارش لغات و صورت‌های دستوری در یک جامعه زبانی است. هدف دستور خط از میان‌برداشتن تفاوت‌های فردی و لهجه‌ای در املا و گاه حتی تلفظ لغات است. به‌هنگام بحث درباره دستور خط باید بین سه دوره تمایز نهاد: دوره پیش از اختراع دستگاه چاپ؛ دوره پس از اختراع دستگاه چاپ و رواج آن؛ و بالاخره دوره فناوری‌های مدرن دیجیتال و هوش مصنوعی.

در دوره نخست، یعنی دوره پیش از اختراع دستگاه چاپ، مسئله دستور خط معیار اهمیت چندانی نداشت و کاتبان و محرران غالباً به هر طریق که مایل بودند متون خود را می‌نگاشتند؛ به طوری که گاه، حتی در یک صفحه واحد، یک کلمه مرکب را با چند رسم الخط مختلف می‌نوشتند. در دوره دوم، که با اختراع دستگاه چاپ و رواج کتاب‌های چاپی آغاز شد، کم‌کم اهمیت زبان معیار و دستور خط آشکار شد و نخستین دستورهای مربوط به شیوه نگارش به انتشار درآمد. این دوره، در اروپا، حدوداً در عصر رنسانس و مقارن با اختراع دستگاه چاپ (حدود قرن‌های چهاردهم و پانزدهم) آغاز می‌شود اما آغاز آن در ایران به اوایل قرن نوزده، یعنی به زمان رواج دستگاه‌های چاپ سربی، بازمی‌گردد.

دوره سوم مربوط به زمانه حاضر است که پای فناوری‌های مدرن دیجیتالی و هوش مصنوعی به میان می‌آید و فعالیت‌هایی چون پردازش زبان‌های طبیعی، تبدیل متن به گفتار، تبدیل گفتار به متن، ترجمه ماشینی، بازیابی اطلاعات، و تهیه فرهنگ‌ها و پیکره‌های عظیم اهمیت می‌یابند. اهمیت دستور خط در این دوره به مراتب بیش از دوره‌های قبل است زیرا تعامل ماشین با انسان از طریق خط تنها زمانی به حدّ اعلاّی خودش می‌رسد که خط، از حیث ویژگی‌های صوری یا رسم الخط، هرچه منسجم‌تر و یکدست‌تر باشد.

دوزبان‌گونی

دوزبان‌گونی (diglossia) به وجود هم‌زمان دو گونه زبانی معیار در یک جامعه زبانی واحد اطلاق می‌شود. در چنین موقعیتی، از یکی از گونه‌ها به منزله زبان رسمی نوشتاری و از دیگری به مثابه زبان غیررسمی و گفتاری استفاده می‌شود (see Ferguson 1972). دوزبان‌گونی درجات گوناگونی دارد و شدیدترین حالت آن را مثلاً در جوامع عربی زبان می‌توان مشاهده کرد. در هریک از کشورهای عربی معمولاً یک گونه محلی وجود دارد (مانند گونه عراقی یا مصری یا سوری و غیره) که خاص گفتگوهای روزمره و مردم کوچه و بازار است و یک گونه رسمی که خاص محیط‌های رسمی و مردم تحصیل کرده است و امروزه آن را «عربی مدرن معیار» (Modern Standard Arabic: MSA) می‌نامند. تفاوت بین هریک از این گونه‌های محلی با عربی مدرن معیار گاه به حدّی است که فراگیری گونه دوم برای عربی‌زبانان هیچ دست‌کمی از فراگیری یک زبان خارجی جدید ندارد. باری، یک کودک عراقی گونه گفتاری یا فروگونه (low variety) عربی را در خانه و گونه رسمی یا فراگونه (high variety) عربی معیار جدید را، اگر اصلاً یاد بگیرد، در مدرسه و نزد معلم فرامی‌گیرد.

جالب است که این مشکل برای مترجمان رمان‌های عربی به زبان‌های خارجی نیز به شکل دیگری خود را نمایان می‌سازد؛ مثلاً، نجیب محفوظ (رمان‌نویس صاحب‌نام مصری)، در دیالوگ‌های

برخی آثارش، از گونه محاوره‌ای مصری نیز در کنار عربی مدرن معیار استفاده می‌کند. راجر آلن (مترجم آثار محفوظ به انگلیسی) متذکر می‌شود که هم گونه محاوره‌ای محفوظ را به راحتی درک می‌کند و هم گونه رسمی او را؛ اما آنچه کار ترجمه برخی آثار محفوظ را به انگلیسی دشوار می‌کند ناممکن بودن انتقال این دوگانگی به زبان انگلیسی است (Allen 2006)؛ در واقع، انتقال این پدیده به فارسی ساده‌تر است تا انتقال آن به انگلیسی زیرا شدت دوزبان‌گونی در فارسی، گرچه بسیار کمتر از عربی است، بسیار بیشتر از شدت آن در زبان انگلیسی است و به همین دلیل کار انتقال دوزبان‌گونی در آثار نویسندگانی چون محفوظ به فارسی بسیار ساده‌تر از انتقال این پدیده به زبان انگلیسی است.

جالب است نخستین بار خارجی‌هایی که قصد فراگیری زبان فارسی داشتند متوجه شدند بین زبان فارسی در محیط‌های رسمی و زبان فارسی در کوچه و بازار تفاوت‌های فاحشی وجود دارد؛ مثلاً مشاهده کردند فارسی‌زبانان در محیط‌های رسمی می‌گویند «آن‌ها به تهران می‌روند» اما در محاوره می‌گویند «اونا می‌رن تهرون». چنان‌که ملاحظه می‌شود، این دو جمله از حیث ویژگی‌های صرفی و نحوی و تلفظی تفاوت‌های بسیاری با هم دارند. وجود این تفاوت‌ها خارجی‌ها را به شدت حیرت‌زده می‌کرد؛ کما اینکه نخستین مقاله‌های علمی نیز درباره این تفاوت‌ها و نیز نخستین اشارات به وجود دوزبان‌گونی در فارسی حاصل تبعات و تأملات همین پژوهشگران و زبان‌شناسان خارجی بوده است. (مثلاً رک. Boyle 1952)

علی‌اشرف صادقی، در مقاله «زبان معیار»، از دو گونه فارسی در ایران سخن گفته است: یکی «گونه معیار رسمی» و دیگری «گونه معیار گفتاری» (صادقی ۱۳۶۲). گونه معیار رسمی همان زبانی است که از آن در اخبار رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها و کتاب‌های درسی استفاده می‌شود؛ و گونه معیار گفتاری همان است که در دیالوگ‌های فیلم‌ها و نمایشنامه‌های فارسی به کار می‌رود و مردم کوچه و بازار ایران در تعامل‌های گفتاری خود با هم از آن استفاده می‌کنند. گونه معیار گفتاری رایج در ایران، که آن را تسامحاً «فارسی تهرانی» نیز نامیده‌اند، همان است که نویسندگان ایرانی در دیالوگ‌های آثار داستانی خود به فراوانی از آن استفاده کرده‌اند. رواج گسترده و روزافزون این کاربرد در متون ادبی معاصر فارسی، که خواه‌ناخواه با شکسته‌نویسی همراه بوده است، لزوم توجه به تهیه دستور خط فارسی شکسته را جهت یکدست کردن آن صدچندان کرده است.

ظهور گفتاری نویسی و شکسته‌نویسی در فارسی

به‌طور نمادین و باندکی تسامح می‌توان انتشار یکی بود یکی نبود (۱۳۰۰) جمalzاده را آغاز گفتاری نویسی در فارسی (رک. جمalzاده ۱۳۰۰) و انتشار آثاری چون سه قطره خون (۱۳۱۱) و سایه‌روشن

(۱۳۱۲) و بوف کور (۱۳۱۵) و علویه خانم و ولنگاری (۱۳۲۲) هدایت را آغاز شکسته‌نویسی در این زبان دانست (رک. هدایت ۱۳۱۱؛ همان ۱۳۱۲؛ همان ۱۳۱۵؛ و همان ۱۳۲۲). بعد از این آثار است که ناگهان گفتاری نویسی و مخصوصاً شکسته‌نویسی رواج گسترده‌ای می‌یابد در آثار نویسندگانی چون صادق چوبک و آل احمد و ابراهیم گلستان و بزرگ علوی و غلامحسین ساعدی و دیگران.

همان‌طور که اشاره شد، بویل، حدود بیست سال پس از ظهور شکسته‌نویسی فارسی، مقاله خود را با عنوان «Notes on the Colloquial Language of Persia as Recorded in Certain Recent Writings» در باره فارسی معیار گفتاری منتشر کرد و از رواج گسترده و شدید شکسته‌نویسی در فارسی سخن گفت. او در مقاله خود متذکر شده است که در تمام زبان‌های دنیا تفاوت‌های بسیار بین کاربرد ادبی و محاوره‌ای زبان وجود دارد اما در این میان تفاوت عجیبی بین زبان‌های غربی از یک سو و فارسی از دیگر سو هست و آن اینکه، در زبان‌های غربی، اصطلاحات و ساخت‌های خاص محاوره از مدّت‌ها پیش وارد نمایشنامه‌ها و آثار داستانی شده؛ در حالی که این اتفاق در زبان فارسی بسیار جدید و ناگهانی بوده است. (Boyle 1952)

به مثالی از شکسته‌نویسی در داستان کوتاه «گاو»، اثر غلامحسین ساعدی، التفات شود. توجه شود مکان این داستان یکی از روستاهای دورافتاده ایران است که هیچ ربطی به تهران ندارد اما نویسنده، برای القای هرچه بیشتر فضا و زبان محاوره‌ای، در این داستان از فارسی معیار گفتاری بهره برده؛ پس بدیهی است که اطلاق فارسی تهرانی به این گونه کاملاً ناصحیح است و بهتر است این گونه را همواره همان فارسی معیار گفتاری بنامیم. در متن، زیر صورت‌های شکسته خط کشیده‌ایم:

کی داره گریه می‌کنه؟ آره یکی داره گریه می‌کنه! زن مشدی حسن اومده کنار استخر، خودشو می‌زنه و گریه می‌کنه. من چه می‌دونم، شاید بلایی سر مشد حسن اومده. مشد حسن که توده نیس، رفته سیدآباد عملگی [...] چی شده خواهر؟ بگو چی شده. ننه خانوم، خبری شده؟ ها؟ مشدی حسن طوری شده؟ نمی‌تونه حرف بزنه [...] مردها برن کنار [...] (ساعدی ۱۳۴۳، ص ۳۵)

لزوم تدوین دستور خط گونه معیار گفتاری

همچنان که گفتیم، زبان فارسی در ایران دارای دو گونه معیار است: یکی گونه معیار رسمی که خوشبختانه دستور خط آن، با عنوان دستور خط فارسی (شیوه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، به بهترین شکل ممکن تدوین شده و به خوبی جا افتاده است؛ و دیگری گونه معیار گفتاری که در حال حاضر فرهنگستان دستور خط مصوبی برای آن ندارد. حدود صد سال از عمر گونه معیار گفتاری در آثار ادبی معاصر ما می‌گذرد و ما نه می‌توانیم و نه حق داریم شکسته‌نویسی را در این آثار نادیده بگیریم. علاوه بر این، امروزه نقش نوشتار در جوامع بزرگ دنیا و من جمله ایران به شدت

تغییر کرده و گسترش یافته است؛ به طوری که، اگر سی چهل سال پیش هرکسی نمی توانست دست به قلم ببرد و مطلبی بنویسد، امروزه نه تنها دانش آموزان کلاس های اول و دوم ابتدایی هم برای خودشان دارای رسانه اند و در آن مطلب می نویسند بلکه عمدتاً نیز از فارسی شکسته بهره می برند. این همه ایجاب می کند فرهنگستان زبان و ادب فارسی شیوه نامه قابل استنادی برای دستور خط شکسته فارسی تدوین کند. ادبیات کلاسیک و زبان معیار رسمی فارسی، در کنار ادبیات معاصر و زبان گفتاری معیار، بخشی از فرهنگ ما را تشکیل می دهند و این هر دو شایسته توجه یکسانی اند. تاکنون سه فهرست، براساس مآخذ متفاوت، از صورت های شکسته فارسی تهیه شده است: یکی دو فهرستی که نگارنده در ۱۳۹۸ با عناوین مبانی و دستور خط فارسی شکسته و دستور خط و فرهنگ املائی از صورت های شکسته موجود در آثار داستانی و نمایشی گردآوری کرده است (رک). طیب زاده الف ۱۳۹۸ و همان ب ۱۳۹۸) و دیگری فهرستی که قیومی و مسگرخویی در ۱۴۰۳ با عنوان دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیر رسمی فراهم آورده (رک. قیومی و مسگرخویی ۱۴۰۳) و این صورت ها را از فضای مجازی استخراج کرده اند (نیز رک. صلح جو ۱۳۸۶ و همان ۱۳۹۱). اگر از برخی صورت های املائی ناصحیحی که قیومی و مسگرخویی در فهرست خود آورده اند بگذریم، می توان گفت که اولاً هر دو فهرست دارای اقلام تقریباً مشابهی اند و ثانیاً تعداد صورت های شکسته فارسی خیلی بیشتر از اقلامی نیست که در این دو فهرست گردآوری شده است. تعداد این صورت ها، حتی با احتساب تمام صیغه های صرف شده فعلی (برم، بری، بره...؛ بگم، بگی، بگه...؛ بخوام، بخوای، بخواد...)، به ۴۰۰ تا نمی رسد. پس به جرئت می توان گفت فهرست صورت های شکسته از قبل تهیه شده و حال فقط کار ضابطه مند کردن املائی آن ها باقی مانده است. به نظر نگارنده، مهم ترین اصل در ضابطه مند کردن صورت های شکسته این است که آن ها را حتی الامکان شبیه به صورت های معیار رسمی خودشان در دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان انتخاب کنیم؛ مثلاً، اگر ما طبق دستور خط مصوب فرهنگستان از بین صورت های «می خواهم» و «می خواهم» و «میخواهم» اولی را به مثابه صورت معیار برمی گزینیم (رک. دستور خط فارسی ۱۴۰۱، ص ۳۹)، پس، از بین صورت های شکسته صحیح «می خواهم» و «می خوام» و «میخواهم» (و نیز صورت های ناصحیح «می خام» و «می خام» و «میخام») فقط باید اولی (می خواهم) را به منزله صورت معیار شکسته برگزینیم. انتخاب هر صورت دیگری، به جز صورت نزدیک به صورت مصوب رسمی، باعث فاصله انداختن بین صورت های رسمی و گفتاری می شود و کار یادگیری و جانداختن آن ها را برای اهل زبان مشکل می سازد.

۲. انواع صورت‌های شکسته فارسی

صورت‌های شکسته فارسی را ذیل این چهار نوع بررسی می‌کنیم: «صورت‌های شکسته غیر فعلی»، «صورت‌های شکسته افعال تام»، «صورت‌های شکسته پی‌بستی»، و «صورت‌های شکسته عبارتی». در اینجا، به اختصار به معرفی این موارد می‌پردازیم.

صورت‌های شکسته غیر فعلی

صورت‌های شکسته غیر فعلی از حیث جزء کلام به یکی از مقوله‌های واژگانی اسم، صفت، قید، حرف، یا ضمیر تعلق دارند؛ مثلاً،

آتش / آتیش؛ آخر / آخه؛ آرام / آروم؛ آقا / آق؛ آن / اون؛ ابراهیم / ابرام؛ از / ا؛ استاد / اوستا؛ اگر / اگه؛ البته / البت؛ بادام / بادوم؛ باران / بارون؛ بام / بوم؛ بلیت / بیلیت؛ پاسبان / پاسبون؛ پانزده / پونزده؛ پس / په؛ پیراهن / پیرن؛ تکان / تکون؛ نگه / تیگه؛ تمام / تموم؛ تومان / تومن؛ تهران / تهرون؛ جگر / جیگر؛ چهار / چار ...

این موارد را می‌توان ذیل مقوله «صورت‌های کوتاه‌شده» (short forms یا contractions) قرار داد. باید توجه داشت که غالب صورت‌های شکسته، از حیث تعداد هجاها یا واج‌هاشان، از صورت‌های سالمشان کوتاه‌ترند (مثلاً: آق؛ از؛ ا؛ ابراهیم / ابرام؛ البته / البت؛ پس / په؛ پیراهن / پیرن؛ چهار / چار)؛ اما مواردی از صورت‌های شکسته نیز وجود دارد که، از حیث تعداد هجاها یا واج‌هاشان، با صورت‌های سالم خود مساوی‌اند (مثلاً: اگر / اگه؛ بوم / بوم؛ پیراهن / پیرن؛ چه / چی؛ تهران / تهرون؛ کاشان / کاشون؛ و ...).

صورت‌های شکسته افعال تام

صورت‌های شکسته افعال تام فارسی را ذیل دو عنوان «تناوب‌های سبکی شناسه‌ها» و «تناوب‌های سبکی بن مضارع فعل» بررسی و معرفی می‌کنیم.

تناوب‌های سبکی شناسه‌ها

تمام افعال فارسی در سه تا از صیغه‌های بن مضارع (سوم‌شخص مفرد، دوم‌شخص جمع، و سوم‌شخص جمع) و نیز در دو تا از صیغه‌های بن ماضی خود (دوم‌شخص و سوم‌شخص جمع) دارای شناسه‌هایی با صورت‌های متفاوت سالم و شکسته‌اند:

- در بن مضارع: بخوابد / بخوابه؛ بخوابید / بخوابین؛ بخوابند / بخوابند.

- در بن ماضی: خوابید / خوابیدین؛ خوابیدند / خوابیدند.

در کلمات مختوم به صامت، صورت‌های پی‌بستی سالم و شکسته فقط در صیغه‌های سوم‌شخص مفرد و دوم‌شخص و سوم‌شخص جمع متفاوت‌اند:

کارگرس ← کارگره؛ کارگرید ← کارگرین؛ کارگرند ← کارگرن.

اما صورت‌های شکسته و سالم پی‌بستی فعل استن، پس از مصوت‌ها، تقریباً در تمام صیغه‌ها با هم تفاوت دارند. این تفاوت‌ها را، بسته به مصوت پایان کلمه پایه، در اینجا فهرست‌وار نمایش می‌دهیم:

- بعد از مصوت /i/: مخفی‌ام ← مخفی‌یم؛ مخفی‌ای ← مخفی‌یی؛ مخفی‌است ← مخفی‌یه؛ مخفی‌ایم ← مخفی‌ییم؛ مخفی‌اید ← مخفی‌یین؛ مخفی‌اند ← مخفی‌ین.

- بعد از مصوت /e/: مهرام ← مهرم؛ مهرای ← مهره‌یی؛ مهره‌است ← مهره‌س؛ مهره‌ایم ← مهره‌ییم؛ مهره‌اید ← مهره‌یین؛ مهره‌اند ← مهره‌ن.

- بعد از مصوت /u/: دانشجویم ← دانشجوم (دانشجونم)؛ دانشجویی ← دانشجوئی؛ دانشجوست ← دانشجوئنه؛ دانشجوییم ← دانشجوئیم؛ دانشجوئید ← دانشجوئین؛ دانشجوئید ← دانشجوئین.

- بعد از مصوت /o/: پادوام ← پادونم؛ پادوای ← پادوئی (پادویی)؛ پادوست ← پادونه؛ پادوایم ← پادوئیم (پادوئیم)؛ پادواید ← پادوئین (پادوئین)؛ پادواند ← پادونن.

- بعد از مصوت /a/: تنه‌ایم ← تنه‌انم (تنهام)؛ تنه‌ایی ← تنه‌ائی؛ تنه‌است ← تنه‌انه (تنه‌اس)؛ تنه‌ایم ← تنه‌اییم؛ تنه‌اید ← تنه‌ائین (تنه‌این)؛ تنه‌اند ← تنه‌انن (تنه‌ان).

صورت‌های شکسته پی‌بستی نقش‌نمای «را»

نقش‌نمای را دو صورت شکسته پی‌بستی دارد: رو (مثلاً در «کتاب رو») و و (در «کتابو»). صورت رو همواره به همین شکل (با تمام‌فاصله از کلمه قبل از خود) نوشته می‌شود:

بابا رو؛ پادو رو؛ پیاز رو؛ شام رو؛ خونه رو.

اما صورت شکسته‌تر و، بسته به نوع صامت یا مصوت پایان پایه، به شکل‌های متفاوتی در خط ظاهر می‌شود:

- بعد از صامت‌های منفصل (پیوندناپذیر) بدون فاصله: پیازو؛ مارو.

- بعد از صامت‌های متصل (پیوندپذیر) بدون فاصله: شامو؛ کتابو.

- بعد از مصوت /i/ با نیم‌فاصله: کفی‌بو؛ علی‌بو.

- بعد از بقیه مصوت‌ها (/e a u o/) با تمام‌فاصله: خونه رو؛ شیره رو؛ بورو؛ تورو؛ نه رو.^۱

۱. در این مثال‌ها، آوای «ر» را می‌توان صامت میانجی در نظر گرفت.

صورت‌های شکسته پی‌بستی «ضمیری»

ضمیرهای متصل پی‌بستی دارای انواع گوناگونی اند؛ مانند ضمیرهای متصل «ملکی»، «مفعولی»، «فاعلی». این ضمیرها، پس از حروف اضافه «از» و «به» و «با»، شکل خاصی به خود می‌گیرند. تلفظ و املاي صورت‌های سالم و شکسته ضمیرهای متصل ملکی و مفعولی و فاعلی عیناً مانند هم است؛ بنابراین، در اینجا، ابتدا به اختصار و نمونه‌وار ضمیرهای متصل سالم و شکسته ملکی را به نمایندگی از همه انواع ضمیرهای متصل معرفتی می‌کنیم و، سپس، به ضمیرهای متصل پس از حروف اضافه مزبور می‌پردازیم.

ضمیرهای پی‌بستی متصل ملکی، بسته به واج پایانی کلمه قبل از خود، به اشکال متفاوت ظاهر می‌شوند:

- بعد از صامت: کتابم ← -؛ کتابت ← -؛ کتابش ← -؛ کتابان ← کتابمون؛ کتابتان ← کتابتون؛ کتابشان ← کتابشون.

- بعد از مصوت /i/: بستنی‌ام ← بستنی‌یم؛ بستنی‌ات ← بستنی‌یت؛ بستنی‌اش ← بستنی‌یش؛ بستنی‌امان ← بستنی‌یمون (بستنی‌مون)؛ بستنی‌اتان ← بستنی‌یتون؛ بستنی‌شان ← بستنی‌یشون (بستنی‌شون).

- بعد از مصوت /e/: کره‌ام ← کره‌م؛ کره‌ات ← کره‌ت؛ کره‌اش ← کره‌ش؛ کره‌امان ← کره‌مون؛ کره‌اتان ← کره‌تون؛ کره‌اشان ← کره‌شون.

- بعد از مصوت /u/: پارویم ← پاروم؛ پارویت ← پاروت؛ پارویش ← پاروش؛ پارویمان ← پارومون؛ پارویتان ← پاروتون؛ پارویشان ← پاروشون.

- بعد از مصوت /o/: رادیوام ← رادیوم؛ رادیوات ← رادیوت؛ رادیواش ← رادیوش؛ رادیویمان ← رادیومون؛ رادیویتان ← رادیوتون؛ رادیویشان ← رادیوشون.

- بعد از مصوت /a/: بابایم ← بابام؛ بابایت ← بابات؛ بابایش ← باباش؛ بابایمان ← بابامون؛ بابایتان ← باباتون؛ بابایشان ← باباشون.

ضمیرهای متصل پی‌بستی، پس از سه حرف اضافه «از» و «به» و «با»، فقط به شکل شکسته ظاهر می‌شوند؛ به عبارت دیگر، این صورت‌های پی‌بستی شکسته فاقد صورت‌های پی‌بستی سالم و بدین شرح اند:

- از: اَرَم؛ اَرَت؛ اَرَش؛ اَرَمون؛ اَرَتون؛ اَرَشون.

- به: بَهم (بم)؛ بَهِت (بت)؛ بَهِش (بش)؛ بَهمون؛ بَهِتون؛ بَهِشون.

- با: باهام (بام)؛ باهات (بات)؛ باهاش (باش)؛ باهامون (بامون)؛ باهاتون (باتون)؛ باهاشون (باشون).

صورت‌های شکسته پی‌بستی قید «هم»

قید هم، بسته به واجی که بدان می‌پیوندند، به دو صورت پی‌بستی em (/am/) یا m (/m/) ظاهر می‌شود که دومی شکسته‌تر و گفتاری‌تر از اولی است:

- بعد از صامت‌های منفصل (پیوندناپذیر): پیاز ← پیازم؛ مار ← مارم.
- بعد از صامت‌های متصل (پیوندپذیر): شام ← شامم؛ کتاب ← کتابم.
- بعد از مصوت /i/ کفی ← کفی‌یم؛ علی ← علی‌یم.
- بعد از مصوت /e/ بره ← برهم؛ بچه ← بچهم.
- بعد از مصوت‌های /o u/ کوکو ← کوکونم (کوکوم)؛ پادو ← پادونم (پادوم).
- بعد از مصوت /a/ بابا ← بابانم (بابام).

صورت‌های شکسته عبارتی

در زبان فارسی عبارات شکسته‌ای وجود دارد که بیشتر به گونه لاتنی یا عوامانه (slang) تعلق دارند تا به گونه گفتاری. در اینجا، محض نمونه، تنها به چند مورد اشاره می‌کنیم: «بیخیل‌با» (بدل از «بی‌خیال‌بابا»); «زت زیاد» (بدل از «عزت‌زیاد»); «کرتیم» (بدل از «نوکرتیم»).

طبق برآورد ما، گونه‌های آزاد سبکی حدود ۴۳٪ از کل کلمات شکسته متون داستانی گوناگون را تشکیل می‌دهند؛ پس از آن، نوبت به صیغه‌های شکسته فعلی می‌رسد با حدود ۳۲٪؛ و سپس صورت‌های کوتاه‌شده پی‌بستی با حدود ۲۵٪ (برای مشاهده پیکره و نحوه آمارگیری، رک. طیب‌زاده ۱۳۹۸ الف).

۳. صورت‌های شکسته و فرهنگ‌های فارسی

از میان صورت‌های شکسته فارسی، شاید فقط گونه‌های آزاد سبکی (حدود ۴۳٪ از کل کلمات شکسته) را باید در فرهنگ‌های فارسی مدخل کرد؛ زیرا اشتقاق آن‌ها از صورت‌های سالم عمدتاً از هیچ قاعده کلی و زبانی پیروی نمی‌کند. در این حالت کافی است صورت شکسته در محلّ الفبایی خاصّ خودش بیاید و خواننده از آنجا به صورت سالم کلمه ارجاع داده شود. در این حالت، اطلاعات لازم درباره هر کلمه را تنها باید ذیل صورت سالم درج کرد و صورت شکسته را صرفاً با عبارتی توضیحی، مانند «شکسته» یا مانند آن، مشخص کرد. طبق محاسبات نگارنده، تعداد کلّ این کلمات بسیار کمتر از ۱۰۰ تاست. به شماری از آن‌ها و شیوه ارجاعشان توجه شود:

- اروا (شکسته) ← ارواح؛ آگه (شکسته) ← اگر؛ په (شکسته) ← پس؛ پیرن (شکسته) ← پیراهن؛ تهرون (شکسته) ← تهران؛ چی (شکسته) ← چه؛ خب (شکسته) ← خوب؛ خيله [در خيله خب] (شکسته) ← خیلی.

دو گروه دیگر از صورت‌های شکسته (صیغه‌های شکسته فعلی و صورت‌های کوتاه‌شده پی‌بستی) را لازم نیست در فرهنگ‌های فارسی مدخل کنیم زیرا هریک از این صورت‌ها، عمدتاً با قاعده‌ای کلی یا زیاده، از صورت سالم مشتق می‌شوند. برای معرفی این موارد کافی است تا در مقدمه فرهنگ به اختصار درباره انواع آن‌ها و شیوه اشتقاق و نگارششان توضیحاتی بیاوریم.

صورت‌های شکسته در دو فرهنگ فارسی

در اینجا، به اختصار، به نحوه برخورد دو فرهنگ فارسی با صورت‌های شکسته اشاره می‌کنیم: فرهنگ فارسی عامیانه (نجفی ۱۳۸۷) و «سامانه جستجوی دادگان فرهنگستان زبان و ادب فارسی» (صادقی، سامانه برخط).

فرهنگ فارسی عامیانه

ابوالحسن نجفی از مخالفان سرسخت شکسته‌نویسی بود (رک. طیب‌زاده ۱۳۹۰) و، مانند استادش پرویز ناتل خانلری (رک. ناتل خانلری ۱۳۵۳)، شکسته‌نویسی را عامل فساد زبان فارسی می‌دانست و همواره بر مخالفت با آن تأکید داشت. نجفی درباره چگونگی ضبط صورت‌های شکسته در فرهنگ‌های فارسی چنین گفته است:

یکی دیگر از مشکلاتی که فرهنگ‌نویسان با آن برخورد می‌کنند و راه حلی برای آن پیدا کرده‌ام و مورد اعتراض و انتقاد هم قرار گرفت فارسی شکسته است، یعنی فارسی محاوره‌ای؛ یعنی، وقتی املا می‌نویسند، «می‌رود» را می‌نویسند «می‌ره». این را باید چه‌کارش کنیم؟ فکر نکنید که این مسئله ساده‌ای است. مسئله بسیار پیچیده است. من راه حلی پیدا کرده‌ام که خودم هم راضی نیستم و نمی‌دانم واقعاً در این مورد جواب بدهد و در رعایتش نمی‌توانم صددرصد به آن معتقد باشم. (نجفی ۱۳۸۷، ص ۱۸۱)

اما راه حل نجفی، خیلی ساده، از این قرار است که تمام صورت‌های شکسته را تصحیح کند و به صورت سالم درآورد؛ مثلاً، او جمله ۱ (قسمتی از داستان علویه خانم صادق هدایت) را به شکل جمله ۲ تصحیح کرده است:

۱. منم گایی دلم برایش میسوختم، گریم میگرف ... دق دلی مون خالی میشد یه مرتبه با هم میخندیدیم. (هدایت ۱۳۲۲، ص ۲۴)

۲. گاهی دلم برایش می‌سوختم، گریه‌ام می‌گرفت ... دق دلیمان خالی می‌شد یکمرتبه با هم می‌خندیدیم. (نجفی ۱۳۸۷، ص ۶۶۹)

یا جمله ۳ (قسمتی از بوف کور هدایت) را به شکل جمله ۴ تصحیح کرده است:

۳. گفت: «قابلی نداره، باشه، بعد میگیرم». (هدایت ۱۳۱۵، ص ۲۵)

۴. گفت: «قابلی ندارد، باشد بعد می‌گیرم». (نجفی ۱۳۸۷، ص ۱۰۶۷)

«سامانه جستجوی دادگان فرهنگستان زبان و ادب فارسی» (سامانه برخط)

در این سامانه، هر شاهد از حیث حفظ صورت‌های شکسته عیناً به همان شکلی نقل شده است که در متن اصلی آمده و، به گمان نگارنده، این همان شیوه دقیق و صحیحی است که باید در تمام فرهنگ‌های فارسی از آن پیروی شود. توجه به نکته ظریف دیگری هم در اینجا اهمیت دارد و آن اینکه، در دادگان، علاوه بر نقل کامل هر شاهد و حفظ صورت‌های شکسته، رسم الخط نیز براساس رسم الخط فرهنگستان ویرایش یا یکدست شده است. مثلاً، جمله صادق هدایت در داستان علویه خانم (جمله ۵) در سامانه «دادگان» به همان شکلی ضبط شده که در متن اصلی آمده است اما در عین حال، به لحاظ رسم الخط، ویرایش و یکدست نیز شده (جمله ۶):

۵. منم گایی دلم بر اش میسوخت، گریم میگرف ... دق دلی مون خالی میشد یه مرتبه با هم میخندیدیم.
(هدایت ۱۳۲۲، ص ۲۴)

۶. منم گایی دلم بر اش می سوخت، گریم می گرف ... دق دلی مون خالی می شد یه مرتبه با هم می خندیدیم.
(صادقی، سامانه برخط)

چنان که می بینیم، صورت‌هایی چون «میسوخت» و «میگرف» و «دق دلی مون» و «میشد» و «یه مرتبه» و «میخندیدیم» در کتاب هدایت (جمله ۵)، همه، مطابق رسم الخط فرهنگستان، ویرایش و به ترتیب مبدل شده‌اند به «می سوخت» و «می گرف» و «دق دلی مون» و «می شد» و «یه مرتبه» و «می خندیدیم».

به مثالی دیگر (جمله ۷) در داستان کلاغ‌ها و آدم‌ها (جمال میرصادقی ۱۳۶۷) و صورت ویرایش شده آن (جمله ۸) در سامانه دادگان توجه شود که، در آن هم، شاهد حفظ صورت‌های شکسته و در عین حال تصحیح رسم الخط هستیم:

۷. خيله خب، خيله خب، برای چی وقتی مهندسو دیدی دنبالش دویدی؟ (جمال میرصادقی؛ به نقل از صادقی، سامانه برخط)

۸. خيله خب، خيله خب، برای چی وقتی مهندسو دیدی دنبالش دویدی؟ (صادقی، سامانه برخط)

این شیوه‌ای است که باید در کار فرهنگ‌نگاری از آن متابعت کرد. فرهنگ‌نویس نباید صورت شکسته را به صورت سالم تغییر دهد، چون استعمال صورت‌های شکسته جزء سبک نویسنده است و ربطی به مقوله ویرایش ندارد اما او کاملاً مجاز و حتی ملزم به اصلاح و یکدست‌سازی رسم الخط است، زیرا رسم الخط به مسئله ویرایش و معیار کردن صورت‌های نوشتاری مربوط می‌شود و امری کاملاً اجتماعی است.

نتیجه

شکسته‌نویسی را نمی‌توان از خط فارسی حذف کرد زیرا، همچنان‌که هدایت و چوبک و آل احمد و ساعدی و شاملو و بهرام صادقی و گلشیری و بیژن نجدی و بسیاری دیگر از نویسندگان معاصر ایران را نمی‌توان از ادبیات معاصر فارسی حذف کرد، انبوه جوانانی را هم که در فضای مجازی شکسته می‌نویسند نمی‌توان منع کرد. تعداد صورت‌های شکسته بسیار اندک است و این صورت‌ها، که در هر حال متعلق به خود زبان فارسی اند، هیچ آسیبی به این زبان نمی‌زنند؛ مضافاً اینکه، اگر ما نگران ادبیات قدیم خود هستیم، باید خواهان تدریس هرچه بیشتر آن در مدارس خود باشیم و نه اینکه صورت‌های شکسته را از نوشتار حذف یا به حال خود رهاشان کنیم. جالب است که مدام از اهمیت و حجم کتاب‌های فارسی در نظام آموزشی ما کاسته می‌شود اما برخی، به جای اعتراض به این اشتباه مهلک در نظام آموزشی، می‌گویند اگر جوانان هیچ ننویسند بهتر از آن است که شکسته بنویسند! باری، فارسی شکسته بخشی از میراث نوشتاری ماست و وظیفه‌مان است که آن را ضابطه‌مند و وارد فرهنگ‌های لغت خود کنیم.

منابع

- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۰۰)، یکی بود یکی نبود، تهران، بی‌نا.
- خانلری، پرویز [پ. ن. خ.]. [۱۳۵۳]، «زبان فصیح»، سخن (مجله ادبیات و دانش و هنر)، دوره بیست و چهارم، ش ۲، شهریور و مهر، ص ۱۱۳۵-۱۱۳۹.
- دستور خط فارسی (۱۴۰۱)، ویراست جدید، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار).
- ساعدی، غلامحسین (۱۳۴۳)، «گاو»، در عزاداران بیتل، تهران، نیل.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۶۲)، «زبان معیار»، نشر دانش، سال سوم، ش ۱۶، خرداد و تیر، ص ۱۶-۲۱.
- _____ (سرپرست، سامانه برخط)، «سامانه جستجوی دادگان فرهنگستان زبان و ادب فارسی»، <https://dadegan.apll.ir/>
- صلح‌جو، علی (۱۳۸۶)، «بشکنیم یا نشکنیم» (پاسخی به نظر منوچهر انور در نمایشنامه عروسک‌خانه)، مترجم، سال هفدهم، ش ۴۵، بهار و تابستان، ص ۹-۲۲.
- _____ (۱۳۹۱)، اصول شکسته‌نویسی (راهنمای شکستن واژه‌ها در گفت‌وگوهای داستان)، تهران، نشر مرکز.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۸ الف)، مبانی و دستور خط فارسی شکسته (براساس صد سال آثار داستانی و نمایشی (از ۱۲۹۸-۱۳۹۷))، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ (۱۳۹۸ ب)، فارسی شکسته (دستور خط و فرهنگ املائی)، تهران، کتاب بهار.
- _____ (۱۳۹۰)، به‌کوشش، «مصاحبه با ابوالحسن نجفی»، در جشن‌نامه ابوالحسن نجفی، تهران، نیلوفر، ص ۲۱-۲۱۰.
- قیومی، مسعود و مریم مسگرخویی (۱۴۰۳)، دستور خط و فرهنگ املائی فارسی غیر رسمی (نسخه پیشنهادی؛ غیر قابل استناد)، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی عامیانه، چاپ دوم، تهران، نیلوفر.
هدایت، صادق (۱۳۱۱)، سه قطره خون، تهران، بی نا.
_____ (۱۳۱۲)، سایه روشن، تهران، بی نا.
_____ (۱۳۱۵)، بوف کور، تهران، بی نا.
_____ (۱۳۲۲)، علویّه خانم و ولنگاری، تهران، بی نا.

- Allen, R. (2006),
<https://themarkaz.org/the-art-of-arabic-translation-an-interview-with-roger-allen/>
Boyle, J. A. (1952), «Notes on the Colloquial Language of Persia as Recorded in Certain Recent Writings»,
Bulletin of the School of Oriental and African Studies, Vol. 14, No. 3, pp. 451-462.
Ferguson, Ch. A. (1972), «Diglossia», In *Language and social context* (Selected readings), Pier Paolo Giglioli
(ed.), Harmondsworth, Penguin, PP. 232-251.

References

Sources are in Persian unless otherwise has been specified.

- Ghayyoumi, Mas'oud and Maryam Mesgar Khoyi (2024), *Unofficial Persian Orthography and Spelling Dictionary* (proposed version; unreliable), Tehran, Academy of Persian Language and Literature.
Hedayat, Sadegh (1932), *Seh Ghatreh Khūn* [Three Drops of Blood], Tehran, n.p..
_____ (1933), *Sāyeh-Rowshan* [Chiaroscuro] Light and Shade], Tehran, n.p..
_____ (1936), *Būf-e Kūr* [The Blind Owl], Tehran, n.p..
_____ (1943), *Alawiya-Khānom* [Madame Alaviyeh] and *Velengāri* [Mucking about], Tehran, n.p..
Jamalzadeh, Mohammad-Ali (1921), *Yeki Būd Yeki Nabūd* [Once Upon a Time], Tehran, n.p..
Khanlari, Parviz [P. N. KH.] (1974), «Eloquent Language», *Sokhan* (Journal for Literature and Knowledge and Arts), Vol. 24, No. 2, September and October, pp. 1135-1139.
Najafi, Abolhassan (2008), *Colloquial Persian Dictionary*, 2nd edition, Tehran, Niloufar.
Persian Orthography (2022), Revised edition, Tehran, Academy of Persian Language and Literature (Nashr-e Āsār).
Sadeghi, Ali-Ashraf (1983), «Standard Language», *Nashr-e Dānesh*, Vol. 3, June and July, pp. 16-21.
_____ (supervisor, online system), «apll data search system»,
<https://dadegan.apll.ir>
Sa'edi, Gholamhossein (1964), «The Cow», in *Azādārān-e Bayal*, Tehran, Nil.
Solhjou, Ali (2007), «Beshkanim yā Nashkanim», *Motarjem*, Vol. 17, No. 45, Spring and Summer, pp. 9-22.
_____ (2012), *How to Write Spoken Short Forms in Persian Dialogues*, Tehran, Nashr-e Markaz.
Tabibzadeh, Omid (2019a), *Orthography of Colloquial Persian* (Based on Works of Fiction and Drama Spanning a Century (1918-2018)), Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies.
_____ (2019b), *Colloquial Persian* (Its Orthography & Dictionary), Tehran, Ketab-e Bahar.
_____ (ed.) (2011), «An Interview with Abolhassan Najafi», in *Festschrift for Abolhassan Najafi*, Tehran, Niloufar, pp. 21-210.

